

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

بحث در این آیهی شریفه 32 از سوره مبارکه نحل بود «لَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» یکی از اوصافی که خداوند تبارک و تعالی برای متّقین بیان می‌فرماید در هنگام قبض روح آنهاست، وقتی که قبض روح می‌شوند و ملائکه آنها را قبض روح می‌کنند سه ت خصوصیت در این آیه شریفه ذکر شده، طیبین، يقولون سلامٌ علیکم، ادخل الجنة بم كنتم تعملون. در مورد طیبین در بحث گذشته عرض کردیم شش احتمال مجموعاً در تفاسیر ذکر شده و از میان این شش احتمال ما این احتمال را اختیار کردیم که «أن تكون وفاتهم طيبة سهلة لا صعوبة فيها و لا ألم» گفتیم ظاهر ایه این است که طیبین یعنی وفاتشان طیبیه است. آن وقت وفات اگر بخواهد طیب باشد یعنی هیچ صعوبتی در آن نیست، ألم و دردی هم در آن وجود ندارد و به این نتیجه رسیدیم که انسان‌های متّقی قبض روحشان بسیار راحت است.

اشکالات احتمالات دیگر را هم عرض کردیم، کلامی را مرحوم علامه‌ی طباطبائی رضوان الله تعالی علیه دارد. ایشان یک بحثی کردند در مورد کلمه‌ی طیب که طیب به چه معناست؟ و یک نتیجه‌ای گرفتند و آن این است که طیب یعنی کسی که عاری از خبائث ظلم است، طیبین یعنی کسانی که اینها منزّه‌اند از خبائث ظلم، هیچ ظلمی در وجود آنها نیست. عبارت ایشان این است: «الطيب تعرّ الشيء مما يختلط به فيكدره» اگر يك شئي عاري باشد از امور خارج از خودش، اموري که اگر داخل آن بشود او را مکدر می‌کند «وينذهب بخلوصه و محوضته» آن خلوصش و هویتش را از بین می‌برد عرب به این می‌گوید طیب. عرب می‌گوید «طاب لي العيش أي خلص و تعرّی مما یکدره و ينقصه» طاب یعنی خالص است و عاری از آن چیزی است که او را آلوده کند. «والقول الطيب ما كان عارياً من اللغو و الشتم و الخسونة» بعد می‌فرمایند این طیب گاهی صفت کلام هم واقع می‌شود. می‌گوئیم «الكلام الطيب»، کلام طیب در جایی است که در يك کلامی لغو نباشد، دشنام نباشد، خشونت نباشد و هر چیزی که موجب آلودگی این کلام است نباشد و بعد در دنباله، ایشان فرمودند بین طیب و طهارت هم فرق می‌کند، بین اینکه بگوئیم طیبین یا بگوئیم طاهرين چه فرقی وجود دارد؟ «إن الطهارة كون الشيء علي طبعه الأصلي بحيث يخلوا أمّا يوجب التنقّر عنهن» طهارت این است که آن ذات اصلی شيء به طوری که چیزی که موجب تنقّر از آن باشد در آن نباشد، اما «والطيب كونه علي أصله من غير عن يخلط به ما یکدره و يفسد أمره سواء تنقّر عن أم ل» طیب یعنی از خارج چیزی داخل این نشود، طاهر یعنی در خود ذاتش يك چیزی است که موجب تنقّر نشود، آب طاهر است، چون آب بالذات چیزی که در آن موجب تنقّر باشد نیست، اما طیب یعنی چیزی که از خارج بیاید این را آلوده کند نباشد! کلام طیب، انسان طیب ی اشاره می‌کنند می‌فرمایند در سوره‌ی مبارکه اعراف آیه 58 دارد «وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتَهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبَتْ لَا يَخْرُجُ إِلَّا نَكِدًا» که در مقابل البلد الطيب، البلد الخبيث است.

نتیجه می‌گیرند و می‌فرمایند «فالمراد بكون المتقين طيبين في حال توفيقهم خلوصهم من خبث الظلم» متّقین در حال مُردن سر سوزنی خبث ظلم و آلودگی ظلم در نفسش وجود ندارد. در مقابل مستکبرین که در يك آیه دیگر در همین سوره می‌فرماید «لَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ» آنهایی که به نفس خودشان ظلم کردند. مرحوم علامه نتیجه می‌گیرد «إن المتقين هم الذين تتوفاهم الملائكة متعزّين عن خبث الظلم» ظلم چیست؟ گناه، شرك، چه ظلم اعتقادي و چه ظلم عملي. در روایات خواندید که آن کسی که از نظر اعتقادي مُشرك است به خودش ظلم کرده، آن کسی که گناه می‌کند هم به خودش ظلم می‌کند و ظالم است.

«فَالْآيَةُ تَصِفُ الْمُتَّقِينَ بِالتَّخْلِصِ عَنِ التَّوَصُّفِ لِلظُّلْمِ» آیه متقین را به خلوص از ظلم توصیف می‌کند دنبال‌آیه که می‌فرماید «يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ» «هو تَأْمِينٌ قَوْلِي لَهُمْ» يك امان قولی است، این سلامٌ علیکم که ملائکه می‌گویند غیر از این سلامی است که بین انسان‌ها رد و بدل می‌شود! حتّی در روایات شب قدر دارد وقتی که ملائکه از آسمان به زمین می‌آیند می‌گویند سلامٌ علیکم این غیر از این سلامٌ علیکم است که ما به یکدیگر می‌گوییم، آنها برای ورودشان سلام نمی‌کنند بلکه این سلامٌ علیکم ملائکه در شب قدر يك امنیّت کامل برای انسان از شیطان است، یعنی شما هر چه می‌خواهید از خدا بخواهید، شیطان دیگر در حریم شما در این شب وارد نمی‌شود، با نفس پاك از خدا هر چه می‌خواهید بخواهید، ایشان می‌فرماید این سلامٌ علیکم يك امن قولی است، وقتی متّقی از دنیا می‌رود، طیبین که حالا ایشان می‌فرمایند طیبین یعنی پاك بودن از خبائث ظلم، یعنی اینها نفسی را از این عالم به همراه خودشان به ملکوت بردند که سر سوزنی خبائث ظلم در آن نیست! و دوم امنیّت قولی به اینها می‌دهند سلامٌ علیکم، و سوم می‌فرمایند «ادخل الجنة بما كنتم تعملون» آنها را به بهشت راهنمایی می‌کنند.

بعد مرحوم علامه می‌فرماید این آیه شبیه به آیه «الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ» کسانی که ایمان آوردند، خدا می‌فرماید يك قاعده‌ی کلی است؛ «الذين آمنوا» کسانی که ایمان به خدا آوردند، يك. و این ایمانشان متلبس به ظلم نشده، یعنی شرکی از آنه صادر نشده، این ایمانشان ایمان خالص است. آن وقت می‌فرمایند «اولئك لهم الامن» برای اینها امن است و این امن را می‌فرمایند همان سلامٌ علیکم است «وهم مهتدون» اینها هدایت می‌شوند به سمت بهشت.

آیا این فرمایش مرحوم علامه که ما دیروز يك مطلب دیگری را از آیه استفاده کردیم و گفتیم طیبین أي وفاتهم طيبة، ایشان می‌فرمایند طیبین أي نفوسهم طیبون، نفوسشان نفوس طیبه است، نفوسشان نفوس پاکی هست به این معنا که خالی از هر ظلمی است. این روشی که مرحوم علامه دارند که بر اساس آن تفسیر القرآن بالقرآن است، کاملاً آن آیه «الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ» را آمدند در اینجا مطرح کردند.

ما روی همین مبنای خود مرحوم علامه پیش بیائیم و بگوئیم برویم موارد استعمال طیب را در خود قرآن بررسی کنیم که کلمه‌ی طیب در کجا استعمال شده؟ «فَتَبَيَّنْ صَعِيداً طَيِّباً» در مورد خاک صفت طیب آمده. این خاک وقتی می‌گوئیم طیب به قول خودشان تعرّ الشیء أما یکدره، خلوص الشیء اما یکدره، یعنی خاک خالص باشد، خاکی که دیگر در آن غیر از خاک چیزی نباشد و لذا صعیداً طیباً خالص است، حالا آن بحث فقهی که وجود دارد که آیا صعيد مطلق وجه الأرض است یا خصوص تراب خالص بحثی است که در جای خودش مطرح شده.

این آیه‌ی شریفه‌ی «وَهُدُوا إِلَى الطَّيِّبِ مِنَ الْقَوْلِ» قول طیب را هم باز مرحوم علامه معنا کردند به اینکه در آن لغو نباشد، دشنام نباشد، یا در قرآن داریم «كَلِمَةً طَيِّبَةً» یا «فَانْكَحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ» نساء طیب یا در یکی از سوره‌های قرآن می‌فرماید «سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طَبْتُمْ» یعنی «وَسِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا حَتَّى إِذَا جَاءُوهُ وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طَبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ» این آیه در مورد وقتی است که روز حشر می‌شود، اینها به صورت گروهی وارد بهشت می‌شوند، ابواب بهشت را برایشان باز می‌کنند، خزنه‌ی بهشت به اینها می‌گویند «سلام علیکم طبتُم فادخلوها خالدين».

در رزق وقتی می‌گوئیم مال طیب، رزق طیب، یعنی رزق حلال، رزق لذیذ و مطلوب؛ ما باشیم و از استعمالات قرآن، استفاده می‌کنیم طیب باید ببینیم متعلقش چیست؟ درست است که این معنایی که مرحوم علامه فرمودند معنای لغوی، طیب یعنی تعرّ الشیء أما یکدره، چیزی که موجب آلودگی این شود نباشد، این يك. دو: موارد استعمال طیب را که در قرآن مراجعه می‌کنیم به لحاظ متعلق، هر کدام يك معنایی دارد، کلام طیب، رزق طیب، صعيد طیب، قول طیب، نساء طیب، همه‌ی اینها را به اعتبار متعلقش باید يك جور معنا کنیم. ت اینجا ما با مرحوم علامه همراهیم، ولی بحث این است که آیا در این آیه‌ی شریفه «الَّذِينَ اتَّقَوْاهُمْ الْمَلَائِكَةُ طَبْتُمْ» این طیبین وصف برای نفوس متّقین است، بگوئیم اینها نفوسشان طیبه است، نفوس طیبه اگر شد همین است که ایشان می‌فرمایند، یعنی خالی از قضارت ظلم است، متّقی آن است که وقتی از دنیا می‌رود دارای يك نفس پاك، نفس خالی از ظلم دارد، آن وقت تا بقیه‌ی فرمایش ایشان هم درست می‌شود و این آیه با آن آیه «الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ» نزدیک می‌شود، ولی اگر کسی بیاید احتمال بدهد که این طیبین صفت نفوس نیست بلکه صفت

توفیه‌ی نفوس است، یعنی توفیتهم و وفاتهم طیبین، «الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ» یعنی وفاتشان طیبین است، وفات اینها طیب است، اگر وفات طیب شد دیگر نمی‌توانیم بگوئیم این وفات *أَيُّ خُبْتُ، أَيُّ عَارٍ مِنْ خِبَاثَةِ الظُّلْمِ*، وفات که دیگر عاری بودن از خباثت از ظلم برایش معنا ندارد!

به نظر می‌رسد که آیه ظاهرش همین است، همان معنایی که ما دیروز اختیار کردیم آیه ظهور در همین دارد «الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ» یعنی اگر بگوئیم این متّقین طیبین هستند حق با مرحوم علامه است که یعنی اینها خالی از هر گونه ظلم هستند، نه ظلم اعتقادی و نه ظلم عملی که معصیت باشد ولی آیه در مقام بیان این نیست، متّقین قبل از توفیه هم تطیبین هستند، آیه در مقام این است که می‌خواهد بفرماید بعد از اینکه توفیه‌ای شروع شد، وفات شروع شد این سه تا می‌آید، طیبین یقولون سلامّ علیکم ادخل الجنة بما تعملون، اینها بعد از توفیه می‌آید، اگر بعد از توفیه می‌آید به نظر می‌رسد باید صفت برای وفات گرفت، وفات اینها وفات طیبی است.

بهترین مثال که نزدیک به این بحث است این است که در عرب در قرآن و روایات اگر گفتند «عیش طیب» یعنی زندگی‌ای که راحتی وجود دارد، عرب وقتی می‌گویند عیش طیب، عیش طیب، یعنی یک زندگی راحت، این طیب در آیه هم چون مربوط به توفیه و وفات است یعنی یک وفات راحت.

(سؤال و پاسخ استاد): به نظر ما آن «سلامّ علیکم» آنجا یک سلامّ علیکم دیگری است، یعنی ولو از کلمات مرحوم علامه و بعضی دیگر استفاده می‌شود که انسان که از دنیا می‌رود این سلامّ علیکم یک بار است، ظاهر آیات که حالا به آیات دیگر هم می‌رسیم، ظاهر آیات این است. بعد که دوباره روز حشر می‌شود و می‌خواهد وارد بهشت شود، یک گروه دیگری از ملائکه باز به او سلام می‌کنند. بعد ببینید سلامّ علیکم که ملائکه‌ی بهشت می‌گویند، آنها می‌گویند طیبتم، این طیبتم یعنی شما در دار دنیا طیب بودید، اینجا به صورت ماضی می‌گویند طیبتم، ولی در اینجا می‌گویند که وقتی توفی است به صورت حال است و به صورت ماضی نیست! به عنوان طیب یعنی صیغه‌ی مبالغه است. باید سؤال کرد وقتی می‌گویند طیبین این غیر از طیبتم است، طیبتم یعنی در گذشته، این معنایی که مرحوم علامه می‌کنند یعنی شما طیبتم، شما در گذشته طیب بودید.

معنای لغوی که مرحوم علامه می‌فرمایند را قبول داریم، معنای طیب این است که یک آلودگی از خارج وارد شیء نشود، این یک دوم: بر حسب استعمالات قرآن کلام طیب، قول طیب، طعام طیب، عیش طیب، یا بوی طیب، عرب می‌گوید رائحة طیب، شما معنا می‌کنید به بوی خوش، یعنی بویی که در عین اینکه لذیذ است اذیت نمی‌کند، یعنی در خیلی از این موارد نظیرش وجود دارد. می‌رسیم به آیه؛ اگر طیبین، صفت و حال از خود متّقین باشد، باز فرمایش علامه درست است، ولی ما می‌گوئیم ظاهر آیه این است که این صفت از توفیه‌ی متّقین است، «الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ» صفت از توفیه‌ی متّقین است. علی‌احال این یکی از خصوصیات است که راجع به کلمه‌ی طیب است. باید سلامّ علیکم و ادخل الجنة بما کنتم تعملون را هم ان شاء الله دنبال کنیم و بعد بباییم سراغ این آیه. عرض کردم با تناسبی که وجود دارد آیه‌ای که می‌فرماید «فَكَيْفَ إِذَا تَوَفَّتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَأَدْبَارَهُمْ» که فرقی می‌گذارد بین متّقین و کفار در نحوه‌ی قبض روح ان شاء الله بیان می‌کنیم.

و صلي الله علي محمد و آله الطاهرين